

انسان، طبیعت، معماری

مؤلف:

بابک داریوش

انتشارات علم و دانش

سرشناسه	داریوش، بابک. ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدید آور	انسان طبیعت معماری / بابک داریوش
مشخصات نشر	تهران: علم و دانش. ۱۳۸۹
مشخصات ظاهری	۴۲۸ ص: مصور رنگی.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۵۵۲۰-۶۴-۴ :
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	معماری -- عوامل اقلیمی
موضوع	معماری -- تاثیر بر محیط زیست
موضوع	معماری -- عوامل انسانی
موضوع	معماری -- تاثیر انسان
شناسنامه افزوده	: حواجه گیری، طاهره، -
رده بندی کنگره	۱۲۸۹ الف-۸/۲۵۴۱ NA
رده بندی دیویی	۷۲۰/۴:
شماره کتابشناسی ملی	۱۲۵۹۸۹۱:



نام کتاب	انسان طبیعت معماری
مولف	بابک داریوش
ویراستار	طاهره خواجه گیری
ناشر	علم و دانش
نوبت چاپ	اول، ۱۳۸۹
لیتوگرافی / چاپ / صحافی	باختر / آینده / زنوز
تیراژ	۳۲۰۰ جلد
قیمت	۹۰۰۰ تومان

نشانی: تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، ابتدای خیابان روانمهر، پلاک ۱۴۵، طبقه دوم

تلفن: ۰۹۱۲۳۵۸۷۶۰۵ - ۶۶۴۱۵۴۵۹ - ۶۶۹۵۰۴۴۱ تلفکس: ۶۶۴۶۲۷۴۲

ایمیل: teymori_۱۳۵۵@yahoo.com

سایت: www.elmo-danesh.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
مقدمه.....	۴
فصل اول: انسان و طبیعت در گذر زمان.....	۹
فصل دوم: انسان، طبیعت و معماری در تمدن‌های باستانی.....	۴۳
فصل سوم: انسان، طبیعت و معماری در جهان غرب.....	۹۵
فصل چهارم: انسان، طبیعت و معماری در مکتب‌های ادبی و هنری جهان غرب.....	۱۱۷
فصل پنجم: رابطه انسان و محیط زیست.....	۱۳۹
فصل ششم: بیونیک.....	۱۸۵
فصل هفتم: الهام سازه.....	۲۴۱
فصل هشتم: معماری ارگانیک.....	۲۶۱
فصل نهم: معماری پایدار.....	۳۲۱
فصل دهم: انسان‌های طبیعت.....	۴۰۷

پیشگفتار

در ابتدا انسان در میان طبیعت و جزئی از طبیعت بود و پس از اینکه توانست برای خود مسکن تهیه کند؛ مسکنی که دائمی باشد نه زندگی در غار یا بالای درختان یا محل هایی که از شاخ و برگ درختان است، به واسطه معماری حصارى میان خود و طبیعت ایجاد کرد؛ در آن زمان هدفش مراقبت از خویشان بود. این حصار تا آنجا پیش رفت که مسکن اولیه تبدیل به کلان شهرها شد و روز به روز فاصله مکانی او از طبیعت بیشتر شد، تا اینکه امروزه دیدن یک حیوان یا یک درخت در شهرهای بزرگ، برای انسان ها بسیار جالب و مهیج است. این قطع ارتباط و دوری از طبیعت، مشکلات فراوانی برای بشر که خود، موجودی طبیعی است، فراهم کرده است. می توان گفت علمی که انسان سال ها در جهت رسیدن به آنها بوده است، به جای آنکه او را به آسایش برساند تنها علاجی بر دردهایی است که به واسطه همین تکنولوژی به آنها دچار شده است و راهکار هایی برای این سبک از زندگی بشر است که سختی با سرشت او ندارد.

هنگامی که به واسطه تکنولوژی دیگر نیازی به تحرک انسان وجود ندارد و آسایش محیطی ایده آل از طریق همین تکنولوژی فراهم می گردد، بشر فراموش می کند که متعلق به طبیعت است. (همانگونه که اگر انسان بیمار نمی شد، پی نمی برد موجودی ضعیف و زوال پذیر است و مشخص نبود غرور، او را به کجا می برد).

هنگامی که طبیعت به محیط مصنوعی تبدیل می شود، انسان نیز به موجودی مصنوعی تبدیل می شود و ریشه همه رفتاری های بشر از همین جا شروع می شود. مشکلات روانی، افسردگی، بیماری های جسمی و حرکتی، چاقی و... از بیماری های است که در گذشته، بشر کمتر به آن دچار بوده است علی رغم اینکه تکنولوژی و امکانات امروز را نداشته است. (البته نباید منکر گسترش بهداشت و پیشرفت های پزشکی شد)

کودکی که در آپارتمان زندگی می کند همیشه به مادر و پدر خود وابسته است و حاضر نیست یک لحظه از آنها دور شود اما هنگامی که همان کودک وارد طبیعت شود و به ذات اصلی خود بازگردد، گاهی اوقات فراموش می کند که پدر و مادری هم داشته است و شروع به بازی کردن در

مقدمه

از ابتدای تاریخ تا زمان حاضر همیشه طبیعت محور ذهن انسان بوده است، می توان گفت طبیعت یعنی هر آنچه بیرون از ذهن انسان است. طبیعت انسان که همان سرشت اوست می تواند همان خواسته هایش باشد. در مورد طبیعت گرایی باید مشاهده کرد سرشت انسان چیست و چه مسائلی در مورد آن مطرح می گردد.

مثلاً از جمله موارد آن آرمان گرایی و رمانتیک گرایی و... است.

در مجموع نمی شود انسان ها را بر اساس سرشتشان دسته بندی کرد تا بینیم انسان های با طبع های گوناگون چه روابطی با طبیعت دارند و از طبیعت چه می خواهند. زیرا انسان ها دارای ویژگی های درونی متفاوتی هستند و هر انسانی با توجه به ویژگی های درونی خود در مواجهه با دنیای بیرون یک سری تصورات دارد.

اگر معماری را علم تقسیم فضا بدانیم و در مقیاس خرد آن و بر اساس نیازمندی ها از طبیعت کمک بگیریم؛ باید با توجه به نیازهایی که وجود دارد تغییراتی را در طبیعت ایجاد نمائیم و آن را جزئی از هویت خود کنیم.

معماری مثل پدیده های دیگر تاریخ تکامل انسان، پاسخی به خواسته های درونی انسان است، از این رو، انسان پس از شناخت درون خود و تفکر بر اساس تکنولوژی اش محیط خودش را تصور کرده و می سازد.

به عنوان مثال یک مصری با توجه به فکری که در ذهن دارد و می خواهد بدان جامعه ی عمل پوشاند در فضا دخل و تصرف می کند و در واقع اندیشه های درونی خود را در طبیعت متجلی می نماید. سازگاری انسان با خودش امکانات و شرایطی را در اختیارش قرار می دهد.

تمامی موجودات کره زمین، بخشی از زندگیشان صرف تأمین غذا و تأمین محیط امن برای آسایش و آرامش می گردد، انسان نیز به دنبال مأمن و محلی برای آرامش است. با مشاهده زندگی انسان هایی که هنوز تکامل نیافته اند و از مواهب زندگی شهری برخوردار نگردیده اند در جاهایی زندگی می کنند که مناسب طبیعت آنهاست، مثلاً در بالای درختان یا پناهگاه ها و صخره ها.

در واقع طبیعت دارای چنان قدرتی است که برای تمامی موجوداتی که از دامانش خلق گردیده‌اند شرایط مناسبی را فراهم می‌کند. انسان قبل از این که به آگاهی برسد و از ذهن خود استفاده نماید، از طبیعت برای خوردن و مسکن استفاده می‌کند. مسأله اصلی این است که انسان در مقطعی هوشمند و آگاه می‌گردد و برای اولین بار برخلاف دیگر موجودات می‌خواهد در محیط زیست خود تغییر ایجاد کند. یعنی آن گونه که طبیعت برای او رقم زده است زندگی نکند و اقدام به ایجاد محلی برای خود کند و بر اساس اندیشه خود زندگی کند که این تفاوت او با دیگر موجودات است. البته نباید فراموش کرد که او قبل از دخل و تصرف در طبیعت، تجارب زیادی از آن آموخته است. مثل دیگر حیوانات که می‌دانند در طبیعت چه منافعی دارند.

انسان مانند دیگر حیوانات به عنوان یک موجود طبیعی با طبیعت خود مانوس است.

انسان و هر حیوان هوشمند دیگر سعی به استفاده حداکثر از محیط پیرامون خود دارد.

می‌بایست خاطرنشان کرد که انسان در مواجهه با طبیعتی است که زیرمجموعه‌ی خودش نیست مثل جنگل و کوه و غار و... در واقع طبیعت است که مدل انسان را طراحی کرده است.

طبیعتی که انسان در آن خلق شده است انسان را مورد حمایت خویش قرار می‌دهد و به او شکل می‌دهد و به انسان کمک می‌کند تا کالبد، شکل و قد او متناسب با طبیعتی باشد که در آن خلق شده است. طبیعت برای تمامی موجوداتی که از دامانش خلق می‌شوند به صورت آگاهانه شرایط زیست فراهم می‌کند و انسان تا جایی که علمش اجازه دهد از امکانات طبیعت بهره‌مند می‌گردد.

شاید گزینه یا صیانت ذات موجودات است که باعث می‌شود در مواجهه با طبیعت، خود را حفظ کنند. مثل خرس‌های قطبی که سفید هستند و غذایشان را از داخل یخ‌ها به دست می‌آورند. می‌توان گفت طبیعت نیرویی را در موجوداتش قرارداده است که بتوانند در مواجهه با خودش ایجاد همزیستی کنند. همانگونه که مثلاً سیستم گوارش حیوانات داخل آب متفاوت از حیوانات خشکی است و این مسئله در مورد انسان نیز صادق است که همان سازگاری با طبیعت است.

اما در حدود ۹-۱۰ هزار سال قبل از میلاد مشاهده می‌شود انسان برای اولین بار قادر می‌گردد در محیط زیست خود دخل و تصرف نماید. این کار آنی و لحظه‌ای صورت نگرفته است بلکه

سال‌ها این پروسه به طول انجامیده است. انسان با کسب تجارب، آموخته است که اگر قرار است در دشت زندگی کند، چگونه می‌تواند شرایط مناسب و امن برای خود فراهم کند.

بر اساس مطالعات صورت گرفته، مشاهده می‌شود انسان در حال تصمیم‌گیری است که از طبیعتی که برای او قانونمند بوده و شرایط برابری با آن داشته است شرایط متفاوت تری به وجود آورد. انسان موجود ضعیفی است و دائماً در معرض تهدید و خطر قرار داشته است اما با توجه به مسائل واقعی مجبور به زندگی در دشت و جلگه می‌شود. در حدود ۹-۱۰ هزار سال قبل از میلاد به نظر برخی‌ها در مناطق کوهستانی شرایط زیست انسان دچار مشکل گردید و انسان برای به دست آوردن غذا به سمت دشت و جلگه آمده است. دلیل این مشکل تغییر آب و هوای کره زمین، حداقل در نیم کره‌ی جنوبی ذکر گردیده است. با این تغییرات جوی، امکانات مادی که در کوه‌ها وجود داشت، به دلیل کمبود بارندگی و خشکسالی محدود گردید و انسان با شرایطی تازه رو به رو شد که قبل از آن با آن آشنا نبود. زیرا احتیاجی به تغییر محل سکونت نداشت و این امر سبب شد تا انسان از ذهن خود استفاده کند و با مشاهده‌ی یک سری امکانات مساعد و یک سری عوامل نامساعد با احساس نیاز به سرپناه، اولین اشکال معماری را پدید آورد. که می‌توان آن را شروع به سازگاری با محیط جدید قلمداد کرد. در آن دوره برای نخستین بار، انسان اقدام به ساخت خانه‌های مدور زیرزمینی کرد که نخستین اشکال مسکن بوده است.

البته همان گونه که حیوانات اقدام به ساخت مسکن برای خود می‌نمایند انسان نیز، قبل از این تاریخ مانند نخستین‌ها در این اندیشه بوده است که بر روی درختان اقدام به ساخت مسکن کند، همانگونه که دیگر حیوانات در هنگام بروز خطر یا به داخل زمین پناه می‌برند یا به بالای درختان می‌روند. اما اطلاعاتی از آن دوره وجود ندارد که آیا انسان همیشه داخل پناهگاه‌ها بوده است یا بالای درختان و این که آیا بالای درختان، متناسب با نیازهایش اقدام به طراحی و ساخت مسکن نموده است یا خیر.

در تاریخ فوق که حدود ۹-۱۰ هزار سال پیش از میلاد مسیح می‌باشد در گنج دره همدان برای سالیان متوالی انسانی که به دشت آمده بود از این منطقه برای شکار استفاده می‌کرد که البته حضور موقت داشته است و سپس به صورت دائم ساکن این منطقه گشته و توانسته است نخستین اشکال مسکن را به وجود آورد. در تپه سراب کرمانشاه نیز مانند گنج دره انسان برای

نخستین بار همچون حیوانات خزنده مثل موش اقدام به حفر زمین نموده است و در عمق زمین زندگی کرده است. در گنج دره شباهت مسکن بعضی مدارک، نشان می‌دهد همان هنگام نیز انسان در داخل این خانه احساس امنیت نمی‌کرده است؛ وجود نردبان برای دسترسی به این مسکن علاوه بر سهولت کار، ممکن است انسان را در مقابل حیوانات به خطر بیندازد.

در نتیجه منطقی‌ترین راه برای زندگی در دشت در آن دوره همان حفر زمین و پوشاندن روی آن با شاخ و برگ گیاهان بوده است.

در جای دیگر مثلاً در همدان در تپه معروف علی کش انسان داخل زمین نمی‌رود بلکه به کمک طبقات رسی اقدام به ساخت خانه‌های مربع مستطیل با پی‌های ضخیم و فضاهای کوچک حدود $2/5 \times 1/5$ متر می‌کند که دلیل آن عدم توانایی پوشاندن آن با بزرگ بودن دهانه است. که در واقع دومین شکل از معماری را پدید می‌آورد.

این مدارک نشان دهنده آن است که بین انسان و طبیعت تماس تازه‌ای صورت گرفته و ارتباط متقابلی پدید آمده است و طبیعت خود به انسان می‌آموزد. در واقع با تغییر محل اسکان از کوه و جنگل به دشت انسان به فکر ساختن این نوع از معماری افتاده است. پس فرم‌های استوانه‌ای داخل زمین و خانه‌های مربع مستطیل که بر سطح زمین با گل رس ساخته می‌شوند، نخستین مسکن ساخته انسان است. او یاد گرفته است که از مواد موجود در طبیعت برای ساختن مسکن استفاده کند. علاوه بر آن قادر گردیده است در استفاده از مصالح طبیعی در خود مواد و مصالح دخل و تصرف کند، به‌طور مثال اگر قرار است خانه‌ای با دیوار سنگی بسازد سعی به استفاده از سنگ‌ها به گونه‌ای که هم ردیف باشند و از یک سمت مرتب‌تر باشند می‌کند و سطوح ناصاف سنگ را از بین می‌برد و از سطوح صاف و صیقلی استفاده می‌کند.

نکته مهم این است که آیا در این فرایند طبیعت نقشی دارد یا خیر؟

باید گفت طبیعت همان گونه که به دیگر موجودات کمک می‌کند به انسان نیز یاری می‌رساند. درمواقع خطر و بحران حرکاتی از انسان و دیگر موجودات سر می‌زند که نشان‌دهنده آن است که در ذات حیوانات و انسان‌ها نیرویی‌های وجود دارد که به آنها آموزش می‌دهد که زندگی کنند که به حفظ بقایشان کمک کند.

لازم است گفته شود انسان نیز مانند هر موجود دیگری معتقد است که از هم نوعان خود و هم از دیدن طبیعت و موجودات آن می‌آموزد که چگونه طبیعت را در اختیار بگیرد. دیگر ویژگی انسان که در این دوران جلب نظر می‌کند این است که انسان سعی دارد که تفاوت خود و دیگر موجودات زنده را نشان دهد و مشاهده می‌گردد که هم زمان با این که انسان در خانه‌های مدور زندگی می‌کند توجه‌اش به زیورآلات جلب می‌شود. نمونه‌هایی از زیورآلات آن دوره گواه این مطلب می‌باشد.

به هر حال هیچ‌گاه نباید فراموش کرد که انسان موجودی دارای سرشت طبیعی است.